

افزایش سن ازدواج و بحران جنسی در ایران !

آرش کمانگر

دکتر حسین حسینی (استاد دانشگاه و کارشناس سازمان بهزیستی) طی گفتگویی با خبرگزاری ایسنا پیرامون گسترش ناهنجاریهای اجتماعی در ایران به بروز معضلی بنام افزایش سن ازدواج جوانان اشاره میکند . وی در این رابطه گفت : « در جامعه اسلامی که روابط جنسی باید بر اساس شرع باشد ، بالا رفتن سن ازدواج به مفهوم این است که فاصله میان بلوغ جنسی و ازدواج و تشکیل خانواده مشروع زیاد میشود و مشکلاتی نظیر : طلاق و فساد جنسی افزایش می یابد » . وی مشکلات اقتصادی ، تعارضات فرهنگی و عدم توجه کافی دولت را عوامل پدیداری این مسئله ذکر میکند . بر طبق برآورد تخمینی برخی از کارشناسان ، در یک دهه اول جمهوری اسلامی ، سن ازدواج اکثرا بین ۱۵ تا ۲۵ سالگی بوده اما در دهه دوم حاکمیت این رژیم و همزمان با رشد بحران اقتصادی و فلاکت توده ای ، سن ازدواج بتدریج افزایش یافته است . بطوریکه با حدود دهسال صعود به سنین ۲۵ تا ۳۵ سالگی رسیده است .

وقوع این تحول (که کارشناسان رژیم از آن بعنوان ناهنجاری یاد میکنند) ناشی از دو عامل بوده است : نخست ، بحران اقتصادی ، بیکاری گسترده و گرانی سرسام آور مایحتاج زندگی و مخارج سنگین عقد و عروسی که سبب می شود جوان بیکار و یا دارای شغل هایی با درآمد پائین ، ریسک نکند و با ازدواج زودرس خود را به « هچل » نیاندازد . دوم ، بالا رفتن سطح آگاهی جوانان که سبب میشود آنها قبل هر چیز به سطح تحصیلات ، ثبات شغلی و برخورداری از یک امنیت مالی نسبی بها دهند و آنگاه پس از اطمینان از تامین مخارج اداره یک خانواده ، تصمیم به تاهل بگیرند . لذت بردن از زندگی مجردی ، تفریحات ، هنر ، ورزش و احتمالا « عشق آزاد » و غیر شرعی ، از دیگر عوامل بالا رفتن سن ازدواج جوانان - بویژه مردان - میباشد . این پدیده و تحول جدید ، بخودی خود نه تنها منفی نیست بلکه بسیار هم مثبت است . این تحول دهها سال است که در کشورهای توسعه یافته - بویژه اروپا و امریکای شمالی - پدید آمده ، منتهی در ایران وقوع این تحول مثبت ، سبب بروز یک خلا عاطفی و جنسی می شود . به دو دلیل : اول ، وجود آپارتاید جنسی و بی حقی و محرومیت ویژه زنان و دوم ، تابو بودن هر گونه رابطه عشقی و حتی دوستانه افراد به اصطلاح نامحرم در قوانین رژیم اسلامی .

در اکثریت کشورهای جهان و حتی تا حدودی در ایران دهه ۵۰ ، رابطه دوستانه و عشقی انسانها جرم محسوب نمی شوند . در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اما ، طبق مقررات دولتی و سنتهای عقب مانده فرهنگی ، انسانها اول ازدواج میکنند ، بعد اگر امکانش بود ، عاشق میشوند !! در چنین حالتی بروز احساسات عاشقانه و سکسی جز از طریق عقد و ازدواج امکانپذیر نیست . عمق بحران اینجا خود را نشان میدهد . جوانان از یک طرف بدلیل بی آینده گی ، بیکاری و یا فقدان شغل مناسب و درآمد کافی ، مایل و قادر به ازدواج نیستند و از طرفی دیگر طبق قوانین رژیم قادر به ایجاد روابط دوستانه ، عشقی و جنسی خارج از سنت ازدواج نمی باشند . یکی از دلایل متعدد عصیان نسل جوان ، وجود و فشار ناشی از همین دوره برزخی است . ابعاد این بحران جنسی و مهمتر از آن ، هراس از گر گرفتن بیشتر شعله خشم جوانان است که رژیم را واداشته با تبدیل شدن به یک « محضردار » بزرگ ، با عجز و لابه ، جوانان را تشویق به ازدواجهای زودرس و نامطمئن کند . این بحران جدید همچنین یکی از عوامل رشد نجومی فحشای شرعی و غیرشرعی در کشورماست . چرا که مردم و جوانان ایران از یکطرف از آزادی نسبی جنسی و عشق ورزی عرفی رایج در اکثر کشورهای جهان محرومند و از طرفی دیگر قادر و مایل به ازدواجهای زودرس و متزلزل نیستند ، با این همه فلاکت موجود در جامعه این امکان را فراهم نموده که عمدتا بخشی از مردان از طریق خرید سکس یا اجاره موقت تن فروشان (بصورت

شرعی نظیر صیغه و غیرشرعی نظیر « زناى محصنه ») هرازگاهی توسن سرکش غرائض و نیازهای جنسی خود را مرتفع کنند . اما چاره بحران جنسی موجود ، نه رواج تن فروشیست و نه تن دادن به ازدواجهای سنتی و زودرس . برای مقابله ریشه ای با این معضل خردکننده ، باید حول مطالبات دمکراتیک ، مدرن و سکولاریستی زیر ، دست به پیکاری وسیع و سازمانیافته زد :

- ۱ - جدایی کامل دین از دولت .
- ۲ - آزادی پوشش و لغو حجاب اجباری .
- ۳ - پایان دادن به آپارتاید جنسی و به رسمیت شناختن برابری کامل زن و مرد .
- ۴ - پایان دادن به اشکال عقب مانده و غیردمکراتیک مربوط به سنت ازدواج نظیر : خواستگاری والدین به نیابت از فرزندان ، حق وتوی والدین خصوصا در زمینه ازدواج دختران و تابوی بکارت .
- ۵ - آزادی کامل روابط دوستانه ، عاشقانه و جنسی در خارج از سنت عقد و بنابراین پایان دادن به مقررات شرعی مربوط به « محرم و نامحرم » .
- ۶ - آزادی کامل طلاق ، حق گرایش جنسی و نیز جلوگیری از هرنوع آزار و محاکمه تن فروشان و قرار دادن آنها زیر پوشش خدمات اجتماعی مناسب ، جهت بیرون آمدن از منجلاب دست پخت نظام مبتنی بر نابرابری طبقاتی .
- ۷ - ممنوعیت تعدد زوجات ، صیغه و پدوفیلیسم (بچه بازی) .
- ۸ - ممنوعیت ازدواج در سنین زیرهیجده سال برای هر دو جنس ، تشویق جوانان به افزایش سن تاهل و ترغیب خانواده ها به کنترل موالید و در این راستا ، آزادی کامل سقط جنین .
- ۹ - آموزش گسترده مسایل مربوط به سکس و بهداشت حاکم بر آن از طریق مدارس ، رسانه هاو....
- ۱۰ - ایجاد امکانات شغلی ، تحصیلی و رفاهی برای کلیه جوانان متعلق به اقشار زحمتکش و فقیر.

* * * * *

ناگفته پیداست که بسیاری از این خواستها و حقوق پایه ای در چهارچوب رژیم موجود دست نیافتنی هستند و تحقق آنها منوط به فنای این نظام قرون وسطایی میباشد ، منتهی مبارزه روزانه و گسترده برای تک تک این مطالبات ، ما را به هدف نهایی مان نزدیک تر میکند . خلاصه کلام اینکه ، از طریق راه اندازی یک نافرمانی مدنی وسیع ، باید به مصاف همه آنهایی رفت که معتقدند : « عشق را در پستوی خانه نپاید کرد !! » .